

حضرت ابراهیم از بابل تا مکه

مسعود عباسی جامد

* پیش از این، از تولد حضرت ابراهیم علیه السلام و مهاجرت او (به سوی کوفه، کربلا، بیت المقدس و ...) سخن به میان رفت، حال؛ ایشان به همراه خانواده اش به سرزمین حجاز (مکه) رسیدند:

﴿۳۶﴾ اسکان ذریه ابراهیم علیه السلام در مکه:

«رَبَّنَا آتِنَا اسْكَنتَ مِنْ ذُرِّيَّتِي بَوَادِ غَيْرِ ذِي رِزْحٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ رَبَّنَا

لِيَقِيمُوا الصَّلَاةَ...» (۱)

«پروردگارا! من ذریه ام را در صحرای بدون کشت در کنار بیت الحرام سکونت دادم، تا نماز بپا دارند...»

حضرت ابراهیم علیه السلام که از شهر پر نعمت و پر زرق و برق و بت پرست اور بابل به سوی خدا مهاجرت کرده بود، آرزو داشت که ذریه و فرزنداناش را دور از مظاهر فریبنده ی ماده پرستان، در صحرای طبیعت در کنار بیت الله الحرام اسکان دهد، باشد که فرزندان ی صالح گردند و به جای دنباله روی شیطان و شرک و بت پرستی، خدا را عبادت کنند و نماز را به پا دارند.

در تورات نیز ابراهیم علیه السلام به پروردگار عرضه می‌دارد که ایکاش اسماعیل در حضور تو زیست کند؛ و خداوند دعایش را اجابت می‌کند. (۲)

۳۲) راز اسکان ذریه ابراهیم علیه السلام در وادی بی کشت و زرع:

حضرت علی علیه السلام راجع به راز قرار گرفتن ذریه ابراهیم علیه السلام و خانه‌ی خدا در وادی غیر قابل کشت و دعوت مردم به آن می‌فرماید: «اگر خدا اراده می‌فرمود که خانه‌ی خود را در میان باغ‌ها و نهرها و زمین‌های هموار قرار دهد، ارزش جزا را بر حسب کوچکی آزمایش بلا، ناچیز می‌گردانید. اما خداوند بسندگانش را با انواع سختی‌ها می‌آزماید و به رویدادهای ناخوش مبتلا می‌فرماید تا کبر و خودستایی از دل‌های بیرون رود و فروتنی در جان‌شان جایگزین گردد، تا با این آزمایش‌ها، درهای گشاده به سوی فضل و احسان الهی ایجاد کند و اسباب بخشایش برایشان فراهم آورد.» (۳)

با توجه به اسرار و حکمت‌ها می‌توان دریافت که چرا ابراهیم خلیل علیه السلام نزدیک‌ترین دوست خدا از سرزمین متمدن و سرسبز و خرم اوربابل چشم می‌پوشد و ذریه خود را به چنین بیابانی خشک می‌آورد و در کنار خانه‌ی خدا جای می‌دهد تا با اقامه‌ی نماز به خدا متصل و مربوط شوند.

* فخر رازی، رابطه‌ی نماز را با وادی غیر ذی زرع در چندین دلیل ذکر می‌کند:

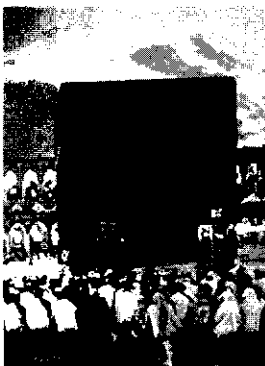
۱- تا خداوند بدین وسیله امید ساکنان صحرا و اهل حرم را غیر از خود قطع کند و در نتیجه توکل و اتکایشان تنها به خدا باشد.

۲- و اهل دنیا و طاغوت‌ها و تن‌آسایان در این سرزمین پای‌نگیرند و مگه همواره از وجود آنها پاک باشد.

۳- و تجار، تجارت را هدف و مقصد اساسی خود قرار ندهند و هدفشان عبادت و بندگی و خدمت به زائران خانه‌ی خدا باشد.

۴- و استعمارگران و کشورگشایان به طمع ثروت‌ها و ذخائرش آن‌را مورد حمله و تاخت و تاز قرار ندهند. «ربّ اجعل هذا البلد آمناً...» (۴)

۵- و بدین وسیله شرافت و افتخار فقر آشکار شود چرا که خداوند خانه‌ی خود را که اولین و بهترین خانه‌هاست در فقیرترین و بی‌بهره‌ترین منطقه‌ی دنیا قرار داده است. و فقرا، هم در دنیا از خانه‌ی امن



۲. تورات / سفر پیدایش / سوره ۲۱ / آیات ۱۴-۲۰.
 ۳. نهج البلاغه حضرت علی علیه السلام / خطبه ۳۹.
 ۴. ابراهیم (ع) / ۳۵/۱.

بر خوردارند و هم در آخرت.

۶- همان طور که خداوند کعبه اش را در جایی قرار داده که خانی از تمام زرق و برق های دنیاست، کعبه معرفتش را نیز تنها در قلب انسان هایی قرار می دهد که خالی از محبت دنیا باشند. (۵)

* البته علی رغم همه ی کمبودها، خداوند در خانه اش نه تنها با غذاهای معنوی بلکه با غذاهای مادی نیز از دوستان و میهمانانش پذیرایی می کند و تشنگی و گرسنگی و کمبودهای بیابان، مقدمه ی لذت و راحتی است این معسر سراسرا (مسلماً راحتی ها با سختی هاست). (۶) و به گفته ی مولوی در مثنوی:

آب کم جو، تشنگی آور به دست

تا بجوشد آبت، از بالا و پست

﴿۳۳﴾ مهاجرت به سوی خدا:

در تاریخ اسلامی آمده است که ابراهیم علیه السلام؛ هاجر و اسماعیل را برد تا به محل خانه کعبه رسیدند، آنها را آنجا نهاد و چون خواست برگردد، هاجر به دنبال وی آمد و گفت: «ما را به چه کسی می سپاری؟» ابراهیم خاموش بود، هاجر پرسید: «این فرمان خداست؟» ابراهیم علیه السلام فرمود «آری». هاجر اظهار داشت: «پس خدا ما را وانخواهد گذاشت».

«ابراهیم از هاجر و اسماعیل خدا حافظی کرد و به سوی قدس روانه شد و چون به گذرگاه کعبه رسید رو به سوی دره کرد و گفت: «خدایا من ذریه خویش را به دره ای بی کشت و زرع در کنار بیت الحرام تو نهادم، پروردگارا! باشد که نماز پیادارند».

هاجر ظرف آبی که داشت؛ تمام شد و از شدت تشنگی، شیرش خشکید و کودکش تشنه ماند. فکر کرد که به بالای کوه صفا که نزدیکش بود برود و از بالا به اطراف بنگرد؛ شاید آبی بیابد و یا کسی را ببیند. از کوه صفا بالا رفت؛ گوش داد مگر صدایی بشنود یا مونسایی بیابد، چیزی نیافت. فرود آمد و چون به دره رسید، شروع به دویدن کرد. اما تشنگی و خستگی او را از سرعت باز می داشت و ناچار هروله کتان (با حرکتی میان رفتن و دویدن) به سوی کوه مروه شتافت، از مروه نیز بالا رفت. در آنجا نیز نه صدایی شنید و نه کسی را یافت. این



۵. تفسیر فخر ر
ع شرح ۶۱ اص ۱۹۳.



رفت و آمد هفت بار تکرار شد. (۷)

در دور ششم بر فراز کوه صفا ایستاد و خدا را بخواند و برای اسماعیل کمک خواست و در دور هفتم بر فراز کوه مروه نیز دعا کرد، در این هنگام از جایی که اسماعیل را رها کرده بود، زمزمه ای شنید. به سرعت به سوی اسماعیل روان شد. ناگهان چشمش به چشمه ای افتاد که در کنار فرزندش جوشیدن گرفته بود و اسماعیل دست خود را در آن برده و آب می نوشد.

هاجر، جلوی آب را بست و ظرف خود را پراز آب کرد و به خاطر صدا و زمزمه ی دلپذیری که آن آب جوشنده از زمین داشت، آن چشمه زمزم نامیده شد.

فرشته ای به او گفت: «بر مردم این دیار از تشنگی بیم مدار که این چشمه برای نوشیدن مهمانان خداست.» و نیز گفت: زود باش که پدر اسماعیل بیاید و خانه ی خدا را تجدید بنا کند و محل خانه را به وی نشان داد. (۸)

«و اذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسماعیل...» (۹)

❁ خانواده ی ابراهیم و قبیله جرهم:

«و اذ جعلنا البیت ماثباً للناس و اماناً...» (۱۰)

«و به یاد آر آنگاه که خانه کعبه را محل مراجعه مردم و پناهگاهی امن برای آنان قرار دادیم...»



گفته می شود قبیله جرهم که در نزدیکی مکه زندگی می کردند، از دور مرغان و پرندگان را دیدند که در وادی مکه فرود می آیند. با خود گفتند باید در آن سرزمین آب باشد. از این رو پیش هاجر آمدند و از او اجازه خواستند که در نزدیک آب زمزم سکونت گزینند و هاجر به آنها اجازه اقامت داد. و با خانواده هائی آنها مأنوس شد و از تنهایی رهایی یافت و اسماعیل با آنان بزرگ شد و زبان عربی را از آنان فرا گرفت و چون به سن جوانی رسید، هاجر دختری از آنان را به ازدواج او در آورد. (۱۱)

۷. تاریخ طبرستان - ری / ج ۱ / ص ۱۸
 ص ۱۴۴ و ۱۴۵.
 ۸. همان.
 ۹. بقره / ۱۲۷.
 ۱۰. بقره / ۱۲۵.
 ۱۱. قصص الانبیاء / عبد الوهاب النجار / ص ۱۰۵.

۳۳) مأموریت برای تجدید بنای خانه ی خدا:

«وإذ بوأنا لآبراهيم مكان البيت...» (۱۲)

«و یاد کن آنگاه که مکان خانه (کعبه) را جایگاه ابراهیم قرار دادیم...» حضرت ابراهیم علیه السلام در سومین سفر خود به مکه، اسماعیل را در کنار زمزم دید، او را در آغوش گرفت و مورد مهر و محبت قرار داد و آنگاه به او گفت که، خداوند به وی فرمان داده که در اینجا پیرامون آن بلندی خانه ای بسازد. آنگاه پدر و پسر پیا خاستند و شروع به پایه گذاری خانه خدا کردند. اسماعیل سنگ ها را از گوشه و کنار می آورد و ابراهیم آنها را کار می گذارد. سپس اسماعیل به ابراهیم فرمود: «سنگ خوبی بیاور که در پای بنا بگذارم تا برای مردم نشانه ای باشد». جبرئیل ابراهیم را از حجرالأسود آگاه ساخت و او آن سنگ را که از آسمان فرود آمده بود به عنوان سمبل دست خدا بر گرفت و در جای خود گذاشت. هنگامی که مقداری از آن ساختمان بالا رفت، ابراهیم سنگی را زیر پا گذاشت و هنگامی که خسته می شد، به روی آن می نشست، که همان مقام ابراهیم است، (۱۳) و حجاج در کنار آن دو رکعت نماز بجای می آورند:

«واتخذوا من مقام ابراهيم مصلي...» (۱۴)

۳۴) حجرالاسود:

«حجرالاسود من الله في ارضه.»

«حجرالاسود به منزله دست خدا در زمین است.» (۱۵)

در گوشه ی کعبه، سنگ سیاهی است به نام حجرالاسود. بنا به روایات اسلامی این سنگ از آسمان فرود آمده و نشانه ای از دست خدا در زمین است، از این رو پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «حجرالاسود را استلام کنید که به منزله ی دست خدا در خلق اوست و خداوند با آن، بندگانش را مصافحه می کند، مانند مصافحه بنده با دوست خود و این سنگ وفاداری کسی را که به آن دست می کشد، گواهی می کند.» (۱۶)

۳۵) در خواست مناسک حج برای توبه و بازگشت:

«ربنا وجعلنا مسلمين لك ومن ذريتنا امة مسلمة لك وانا مناسكنا وتب علينا» (۱۷)



۱۲. حج/۲۶.

۱۳. تاریخ ابن اثیر/ ج ۲/ ص ۲۷.

۱۴. بقره/ ۱۲۵.

۱۵. حدیث نبوی / مفردات

قرآن/ ص ۸۵۴

۱۶. جامع السعادت / ترقی / ج ۳/ ص ۳۱۴

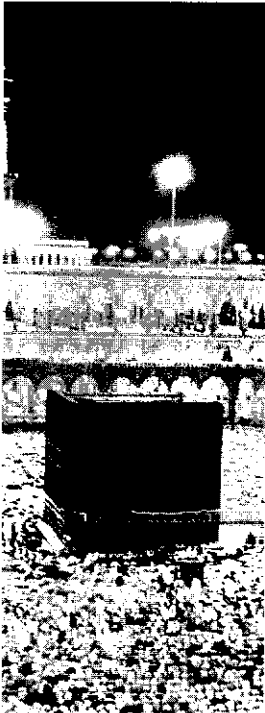
۱۷. بقره/ ۱۲۸.

حضرت ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام پس از اتمام بنای کعبه به دور آن طواف می کردند و از خدا خواستند که آنها و فرزندانشان را مسلمان واقعی گرداند و مناسک و راه و رسم حج و سایر عبادات را به آنان نشان دهد و توبه و بازگشت آنها را بپذیرد.

بنا به روایتی، جبرئیل حضرت ابراهیم علیه السلام را به صحرای عرفات برد، جایی که آدم علیه السلام را از ظهر تا غروب روز نهم ذیحجه برای توبه و بازگشت به خدا به آنجا برده بود. وقتی که آفتاب غروب کرد همراه جبرئیل روانه مشعر شد و شب را در آنجا گذراند و صبحگاهان با طلوع خورشید روانه مناسک و در تمام این مراحل، حضرت ابراهیم علیه السلام می گفت: عرفت، عرفت (شناختم، شناختم). (۱۸)

این مراسم که به فرمان قرآن کریم: «فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ...» (۱۹) به عنوان وقوف در صحرای عرفات و مشعر همه ساله برگزار می شود و از مهمترین ارکان حج است و یاد آور توجه حضرت ابراهیم علیه السلام از غروب ماه و ستاره به خدای پدید آورنده ی آسمان ها و زمین است. در قدیم بسیاری از مردم، ماه و خورشید و ستارگان را نه تنها راهنمای خود در مسافرت ها می دانستند و به عنوان تقویم آسمانی از آنها استفاده می کردند، و آنها را در رشد و پرورش نباتات و حیوانات و انسان مؤثر می دانستند بلکه در تربیت و هدایت تشریحی نیز از آنها سرمشق می گرفتند. مثلاً: نظافت و طهارت را از شفافیت و پاکی آنها، و کمک به زیر دستان و زکات را از پرتوافشانی خورشید و ماه به کلبه ی نیازمندان، و حرکات طواف و سعی را از حرکات وضعی و انتقالی سیارات الهام می گرفتند. (۲۰)

از سوی دیگر، بسیاری از امور را با علم نجوم پیش بینی می کردند و شاید حضرت ابراهیم علیه السلام با توجه به جنبه های تربیتی و هدایتی اجرام آسمانی در برابر ستاره و ماه و خورشید اظهار داشته است، هَذَا رَبِّي «این تربیت کننده ی من است». (۲۱) اما عملاً به آنان نشان می دهد که این هدایت ها محدود و ناقص و غیر ثابت می باشد و انسان را تربیت و هدایت کامل و دائمی خداوند بی نیاز نمی گرداند.



۱۸. تفسیر البرهان زرکشی ج ۱ / ص ۸۶

۱۹. بقره / ۱۹۸.

۲۰. کتاب خدی بن قبطان.

۲۱. انعام / ۷۸ تا ۷۶.

﴿۴۲﴾ املاء ابراهیم ﷺ به ملت ها:

«قل صدق الله فاتبعوا مله ابراهیم حنیفا...» (۲۲)

«بگوراست گفت: خدای پس پیروی کنید از آیین (املاء شده) ابراهیم ﷺ» کلمه‌ی ملت از املت الکتاب به معنای املاست. در سابق وقتی می خواستند برای جمع کثیری سخنرانی کنند، از چهار طرف هر صد قدم فردی را می گذاشتند تا کلمات سخنران را به سایرین املاء کند؛ و بدین وسیله پیام سخنران به گوش جمعیت میلیونی می رسید، قرآن می فرماید: از ملت یعنی آیین املاء شده‌ی ابراهیم پیروی کنید.

پس از اینکه حضرت ابراهیم ﷺ با کمک فرزندش اسماعیل، خانه خدا را بر پا داشت، ندا آمد که میان مردم اعلام حج کن (۲۳) «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ» ابراهیم پرسید: «پروردگارا چه بگویم؟» ندا آمد که بگو: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ...» (۲۴)

لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ و این نخستین لبیک بود که گفته شد.

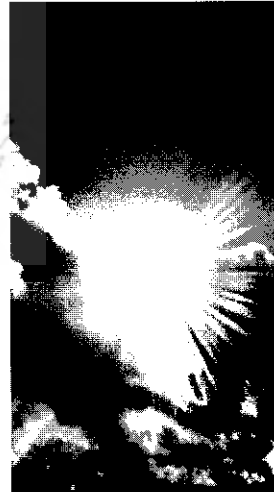
گفته می شود که چون وقت حج فرارسید، حضرت ابراهیم ﷺ رو سوی یمن کرد و مردم را به سوی خدا و حج خانه‌ی وی دعوت کرد و پاسخ شنید: لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ آنگاه رو سوی مشرق کرد و به سوی خدا و حج خانه‌ی خدا دعوت کرد و پاسخ شنید: لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ آنگاه رو سوی مغرب کرد و به سوی خدا و حج خانه دعوت کرد و جواب شنید لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ و آنگاه رو به سوی شام کرد و به سوی خدا و حج خانه‌ی وی دعوت کرد و جواب شنید:

لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ (۲۵)

﴿۴۳﴾ طواف:

«وَيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (۲۶)

یکی از مناسک مهم و اساسی حج که توسط حضرت ابراهیم ﷺ ارائه شد، طواف به دور خانه خدا بود. طواف؛ یعنی: دور چیزی گردیدن و بر گرد چیزی چرخیدن و علامت کمال علاقه



۲۲. آل عمران/ ۹۵.

۲۳. علل الشرایع صدوق / ص ۴۱۶.

۲۴. حج / ۲۸.

۲۵. تاریخ طبری / ج ۱ / ص ۱۹۱.

۲۶. حج / ۲۹.

و محبت است. یعنی که شخص خود را فدای محبوب می کند و بلا گردان او می شود؛ همچنان که پروانه آن قدر بر گرد شمع می گردد تا خود را با بال و پر سوخته به پای شمع می افکند.

فانه كعبه، فانه ی دلهاست

سامت قدس و جلوه گاه خداست

نیکبخت، آنکه همچو پروانه

در طواف است، گرد آن فانه (۲۷)

از زمانهای کهن، میان مذاهب ایرانیان، هندی ها و بودائیان و رومیان و غیره عمل طواف رواج داشت (۲۸). عملی شبیه به گردش سیارات هفت گانه پیرامون خورشید که ستاره پرستان در زمین پیرامون هیاکل و معابد شمس انجام می دادند، حضرت ابراهیم علیه السلام به فرمان خدا این مراسم را از حالت شرک و خورشید پرستی تطهیر و پاک گرداند و آن را عملی قرار داد شبیه به طواف فرشتگان پیرامون عرش الهی:

«وترى الملائكة حافین من حول العرش...» (۲۹) «و فرشتگان را می بینی که پیرامون عرش الهی در طوافند...»

در روایت آمده که که به موازات کعبه در آسمان ها بیت المعمور است و ملائکه به دور آن طواف می کنند همچنان که انسان ها پیرامون کعبه در حال طوافند. (۳۰) شاید یکی از حکمت های طواف، پرورش روح اطاعت توأم با اشتیاق، از خدا همگام با گردش و اطاعت مشتاقانه زمین و آسمان های هفت گانه از پروردگار است:

«فقال لها وللارض اثنا طوعاً او كرها قالتا اتينا طائعين*»

ففضا هن سبع سماوات...» (۳۱)

«خداوند به آسمان و زمین فرمود: به سوی خدا با اشتیاق یا اگر با بشتاید، آنها گفتند: ما با کمال شوق به سوی تو می شتایم...»

و شاید یکی از حکمت های طواف ابراهیمی پرورش روح تسلیم همگام با تسلیم سایر موجودات زمین و آسمان در برابر خداوند باشد که قرآن می فرماید:

«أفغير دين الله يبغون وله أسلم من في السماوات والأرض طوعاً

و كرهاً و اليه ترجعون» (۳۲)



۲۷. حج برنامه‌ی تکامل / ص ۲۱۱.
 ۲۸. دائرة المعارف الاسلامیه / ج ۷ / ص ۲۱۱.
 ۲۹. زمر / ۷۵.
 ۳۰. الحججه البيضاء فیض کاشانی / ج ۲ / ص ۲۰۲.
 ۳۱. فصلت / ۱۱ و ۱۲.
 ۳۲. آل عمران / ۸۳.



«آیا آنها دینی جز دین خدا را می جویند در صورتی که اهل آسمان ها و زمین، خواه ناخواه در برابر او تسلیم هستند و همه به سوی او باز می گردند.»

﴿۳۳﴾ نماز طواف در مقام ابراهیم علیه السلام:

«واخذوا من مقام ابراهیم مصلي» (۳۳)

به دنبال طواف، همگام با طواف سیارات منظومه شمسی و فرشتگان، حضرت ابراهیم علیه السلام در محلی که اکنون مقام ابراهیم نامیده می شود، همگام با تسبیح اهل آسمان ها و زمین به نماز و تسبیح برای خدا پرداخت:

«لم تر ان الله يسبح له في السماوات والارض والطير صافات،

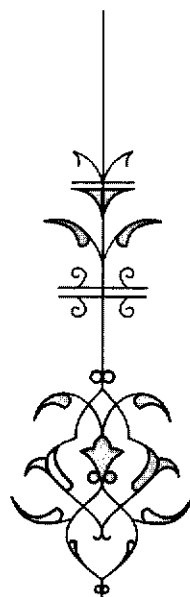
كل قد علم صلاته وتسبيحه...» (۳۴)

«آیا نمی بینی که خدا را همه ی کسانی که در آسمان ها و زمین هستند حتی مرغان پر گشاده در هوا تسبیح می کنند و همه آنها نماز و تسبیح خود را می دانند...»

و بدین ترتیب حضرت ابراهیم علیه السلام؛ جهانیان را از طواف و نماز برای بت ها به سوی طواف و نماز برای خدا سوق می دهد. (در میان بنی اسرائیل نیز طواف و نماز طواف پیرامون مذبح و خانه ی خدا به سنت ابراهیم علیه السلام انجام می شود.) (۳۵) نمازی که وسیله تقرب به خداست.

«الصلوة قربان كل نبي». (۳۶)

ادامه دارد ...



۳۳. بقره/۱۲۵.

۳۴. نور/ ۴۱ و ۴۲.

۳۵. تورات/ کتاب مزامیر داود/

شماره ۲۶.

۳۶. باستان شناسی و جغرافیای قصص

قرآنی/ بی آزار شیرازی/ ص ۲۸۶.